

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

لاله

۱۱ اپریل ۲۰۲۵

اهداف و چشم انداز مبارزات زنان برای رهائی!

توضیح پیام فدائی: توضیح: آنچه در زیر می آید متن سخنرانی رفیق لاله با عنوان "اهداف و چشم انداز مبارزات زنان برای رهائی" می باشد که در تاریخ ۹ مارچ ۲۰۲۵ در برنامه ای که برای بزرگداشت ۸ مارچ روز جهانی زن، در اتاق "بذره های ماندگار" چریکهای فدائی خلق ایران در کلاب هاوس برگزار شد، صورت گرفت. فایل صوتی این برنامه در کلاب هاوس موجود است.

با دروهای گرم به دوستان و رفقای حاضر در اتاق! قبل از هر چیز به تشکر ویژه می کنم از برگزار کننده ها و دست اندرکاری این برنامه که همچنین فرصتی رو فراهم کردن. دوستان همانطور که رفیق ادمن هم اعلام کردن موضوع صحبت امشب من (اهداف و چشم انداز مبارزات زنان برای رهائی) هستش.

قبل از هر چیزی می خوام از این فرصت استفاده کنم و روز جهانی زن رو هم به همه ی زنان تحت ستم، مخصوصا زنان کارگر و زحمتکش ایران و جهان و همچنین حاضرین در این اتاق تبریک بگم. خوشحالم که صحبت هام رو با یادآوری این موضوع شروع کنم که انتخاب یه روز در سال به نام روز زن در واقع نتیجه یه مبارزه طولانی مدت بوده، مخصوصا توسط کمونیست ها و زنانی مبارز مثل کلارا زتکین که نماد این جنبش بودن و البته نباید هم فراموش کنیم که این موفقیتا توی دل مبارزات گسترده ی کارگران، چه زن چه مرد، علیه سرمایه داری و دولت های حامی شون به دست اومده. و همانطور که می دونید خود روز جهانی زن هم یادآور اعتراضات زنان کارگر نساجی در سال ۱۸۵۷ در امریکا هستش.

در اینجاست که می تونیم بگیم روز جهانی زن با مبارزات کارگران زن و مرد گره خورده و به نوعی با سوسیالیسم به عنوان یه نظام فوق العاده راه بشریت رو به سوی آزادی واقعی باز کرده. خب حالا برگردیم به ایران همانطور که همه ی ما می دونیم از همون روز اول که جمهوری اسلامی روی کار اومدش خیلی واضح نشون داد که زنان رو هدف سرکوب خودش قرار داده و با حمله به ابتدائی ترین حقوق انسانی اونها تلاش کردش صدای زنان آزاده و محروم ایران رو خاموش کنه. و با برقراری دیکتاتوری بی حد و مرز و پیچوندنش تو قوانین مذهبی زن ستیز سعی کردش حقوق زنان رو که توی انقلاب نقش مهمی داشتن رو زیر پا بذاره.

اخراج زنان کارگر از صنایع بزرگ، محروم کردنشان از کلی حق تو قوانین اسلامی خودش از جمله حق طلاق، حق حضانت کودکان، حق شهادت برابر با مردان (مثلا شهادت دو زن مساوی شهادت یک مرد هستش)، و حتی اجازه ندادن برای انتخاب بعضی از شغلها (مثل قاضی شدن) و به طور کلی رسمیت دادن به نابرابری بین زن و مرد، و همه‌ی اینها فقط بخشی از اون ستم و ظلمی هستش که این رژیم به زنان ما تحمیل کرده. این رژیم از همون ابتدا با وضع کردن قوانین ارتجاعی خودش دنبال این بود که، بین زنان و مردان جدائی ایجاد بکنه که البته هدف از اون این بود که جلوی مبارزات مشترک اونها رو بگیره، جلوی مبارزات مشترک زنان و مردانی رو بگیره که برای هدفی واحد و اون هم ساختن دنیائی که در اون نه تنها زنان بلکه همه‌ی انسانها توش رها از هر گونه ستم و استثمار و نابرابری باشن سد ایجاد کنه، اما در همین جنبش اخیر (۱۴۰۱) بله دوستان درست در همین جنبش ما بطور آشکار می‌بینیم که موفق نشده در این کار اونطوری که برنامه ریزی کرده توی همه‌ی این سالها.

تحمیل حجاب از طرف جمهوری اسلامی به زنان هم با این فرهنگ کثیف همراه هستش که به زن نه به عنوان یک انسان همانند مرد بلکه صرفا به عنوان یک جنس مخالف مرد نگاه می‌کنه. به همین دلیل از نظر این رژیم ارتجاعی زن باید حجاب سر کنه و کیسهای بی قواره و یا همون مانتو بیوشه تا بدنش کاملا پوشیده بشه. یادمه یه بار در دهه ۸۰ دو خبرنگار زن و مرد جمهوری اسلامی با یه دختر ۱۳ - ۱۴ ساله راجع به حجاب بحث می‌کردن. این دختر می‌گفتش که حجاب نباید اجباری باشه و باید هر کسی آزاد باشه که روسری سر بکنه یا نکنه و حرف‌هایی زد که زن خبرنگار واقعا کم آورد و مرد خبرنگار که انگار خیلی ذوق کرده بود یه چیز پیدا کرده که این دختر نوجون دانش آموز رو بقولی مات کنه و ثابت بکنه که زن‌ها باید خودشون رو از مردها محفوظ نگه دارن، گفتش فرض کن دو تا شکلات داریم یکی بسته است، یکی باز مگسا روی کدومش می‌شینن، اون دختر نوجوون با یه حاضر جوابی عالی که حسابی زد تو دهن اون خبرنگار گفت "من شکلات نیستم تو هم اگه داری این حرفو می‌زنی خودتو مگس حساب می‌کنی!!"

ببینید دوستان این گفتگو در عین حال که درجه آگاهی و شجاعت اون دختر نوجوانو نشون می‌داد، نگاه آلوده و ابزاری این رژیم به زنانرو هم مشخص‌تر می‌کرد. این یه نمونه‌ی کوچیکی بود (شاید خود شما نمونه‌های دیگه‌ی از این قبیل رو دیده یا شنیده باشید). واقعیت اینه که در ۴۶ سال گذشته زنان آگاه و مبارز کشورمون هرگز دست از مبارزه و مقاومت در برابر این رژیم زن ستیز و دیکتاتور برنداشتن و همیشه مثل یه خاری توی چشم این دیکتاتوری بودن و جلوی سلطه این رژیم ایستادن و توی همه‌ی این سالها می‌بینیم که با تمامی قوانین ضد زن و ستم‌هایی که بر زنان وارد میشه زنان ما لحظه‌ای عقب ننشستن بلکه حتی برعکس هر بار با هر خیزش مقاوم‌تر به مبارزه پرداختند، و از همون روز اول و تظاهرات علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷ به این حکومت نشون دادن که زنان ایستادن و مقاومت می‌کنن و با همین مقاومت‌ها راه رو برای نسل‌های بعدی هموار می‌کنن. و می‌بینیم که این مقاومت‌ها همچنان ادامه دارن تو دهه ۶۰ هم یه بار دیگه زنان نشون دادن که استوار و مقاوم در مقابل ظلم و ستم ایستادگی می‌کنن.

همانطور که همه‌ی ما می‌دونیم دهه ۶۰ یادآور سرکوب شدید مبارزات مردم زندان، شکنجه و اعدام بهترین فرزندان خلق هستش. در شرایطی که جنگ، فقر و سرکوب سیاسی همه چیز رو تحت شعاع خودش قرار داده بود زنانه در زندان‌ها مقاومت خودشون رو ادامه دادن، زنانی که توی این دهه در زندان‌ها اعدام شدن یا تحت شکنجه‌های قرون وسطائی قرار گرفتن نمونه‌هایی از مقاومت در برابر یک نظام ستمگر مرد سالار و ضد تمامی ارزش‌های انسانی بودن.

کلا زنان تحت ستم ایران از اعتراضات کارگری گرفته تا جنبش‌های دانشجویی، از مبارزات ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌ها تا خیزش‌های فراگیر در شهرهای مختلف، که البته همه اینها نشون دهنده نارضایتی عمیق مردم از ساختار

سرکوب و نابرابری و از بن فاسد این نظام سرمایه‌داری وابسته بوده در تمامی این اعتراضات همواره شرکت فعال داشتن. و اینو هم باید بدونیم که ستمی که بر زنان ما وارد میشه فقط مربوط به حجاب و حاکم کردن فرهنگ مردسالاری در جامعه نیستش، اساس این ستم از سرمایه‌داری و استثمار ساختاری میادش و سرمایه‌داران با پرداخت مزد نابرابر با مردان، از استثمار زنان بیشترین سود را می‌برند.

از طرف دیگه جمهوری اسلامی از همون ابتدای روی کار آومدنش برای کنترل نیروی کار و زندگی زنان برنامه‌ریزی کردش چون می‌دونست که بدون کنترل زنان کنترل کل جامعه سخت می‌شه، و دیدیم که با سرکوب زنان کل جامعه رو سرکوب کردند. ببینید دوستان یه موضوعی که می‌شه روش تاکید کرد اینه که زنان تو این مدت فهمیدن که تو این حکومت دیکتاتور و سرکوبگر که با زور شکنجه و اعدام دوام آورده و چیزی جز تحقیر و خشونت نصیبشون نمی‌شه، هیچ تغییری برای رفع ستم از زنان ممکن نیستش.

برخلاف اونایی که میگن با اصلاح تو این سیستم می‌شه کاری کرد، تجربه‌ی همه‌ی این سال‌ها نشون داده که جمهوری اسلامی خودش بزرگترین مانع آزادی زنان بوده و هست و برابری حقوق زنان و مردان تو این نظام هیچوقت اتفاق نیفتده و زنان فقط با مبارزه برای تغییر بنیادین این نظام می‌تونند به خواست‌های برحق و اساسی خودشون دست پیدا کنن. همانطور که همه‌ی ما می‌دونیم در این ۴۶ سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی اعتراضات و خیزش‌های مردمی به شکل‌های مختلفی رخ داده که در هر کدوم از این خیزش‌ها زنان نقش پررنگی داشتن و نقش آفرینی کردن، نمونه‌ش رو تو خیزش ۸۸ دیدیم که چطور زنان شجاع ما با دلایل محکمی که برای مبارزه داشتن، خیابون‌ها و کوچه‌ها رو به سنگر مبارزه تبدیل کردن و جلوی نیروهای سرکوبگر ایستادن. شجاعتی که زنان و دختران ما در اون جنبش در مقابل بسیجی‌های جمهوری اسلامی نشون می‌دادند همه رو به تحسین واداشته بود. و در خیزش‌های بعد از اون، خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شاهد بودیم که زنان ایران چه آگاهی‌هایی از خودشون نشون دادن و دست به چه قهرمانی‌هایی زدند.

در خیزش ۱۴۰۱ هم زنان همچنان در صف مقدم مبارزه با دشمنای خودشون و دیگر مردمان تحت ستم ایران به واقع جنگیدن. در این خیزش شاهد فداکاری‌های دختران جوانی بودیم که نماد مقاومت و آگاهی بودن ساری‌ها، نیک‌ها، آیلارها، حدیث‌ها و هزاران نامدار و گمنام دیگه. این دختران جون نه تنها برای لغو حجاب اجباری، بلکه برای سرنگونی کل این رژیم مذهبی و ارتجاعی قیام کردند اون‌ها جون خودشونو در این راه گذاشتن تا بگن که آزادی و عدالت ارزشی هستش که حاضرند برایش هر قیمتی پردازن. در این خیزش بودش که دختران نوجون و جون ما برای اینکه به حجاب تحمیلی جمهوری اسلامی پایان بدن روسری و شال‌های خودشون رو در میون شادی و هلهله دیگران به آتیش کشیدن، یاد همه‌ی اونایی که پیشگام این نبرد شورانگیز با رژیم ضد زن و سرکوبگر جمهوری اسلامی بودن همواره گرامی باد! همه می‌دونیم که خیزش انقلابی زنان و مردان انقلابی و تحت ستم ایران در سال ۱۴۰۱ نه تنها در داخل بلکه به جرات می‌شه گفت که در سراسر دنیا بازتاب پیدا کرد (هر چند نیروهای ضد مردمی سعی کردند از اون به نفع خودشون استفاده بکنن که الان من بهش نمی‌پردازم چون موضوع صحبت امشب من نیستش).

واقعیت اینه که با توجه به شدت ظلم و ستمی که بر مردم ما روا می‌شه جامعه ایران آتش زیر خاکستر هستش که هر بار با جرقه‌ای شعله می‌کشه، در سال ۱۴۰۱ قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی جرقه‌ای بودش که اون آتش زیر خاکستر رو که هر لحظه امکان داشت با کوچکترین چیزی شعله ور بشه، برای بار دیگه شعله ورش کرد.

قتل حکومتی این دختر جوان پایه خیزشی دیگه‌ی شد، خیزشی که از خیزش‌های قبلی پربارتر و پرتجربه‌تر شد. تو این خیزش هم باز زنان نقش بسیار مهمی رو داشتند و پیشگامان مبارزه‌ای بودند که نه تنها رهائی خودشون

بلکه رهائی کل جامعه رو می‌خواستن و اتفاقاً همینو در شعارهاشون نشون دادن، مثل شعار "حجاب بهانه ست، کل نظام نشانه ست" و یا همراه با مردان مبارز و انقلابی یکصدا شعار سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردمو سر دادند. اونها با این شعار خواست اصلی مردم ایران یعنی مسکن، آزادی و نان رو فریاد زدند و نشون دادند که این خواسته‌ها هم فقط و فقط با نابودی جمهوری اسلامی و افتادن قدرت به دست مردم متحقق می‌شه. و البته که شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی نمی‌خوایم نمی‌خوایم مثل خیزش‌های قبلی در صدر شعارهای مردم قرار داشتند. واقعا اگر ما ببینیم روی شعارهایی که زنان و مردان در کنار هم در سال ۱۴۰۱ سر دادند کمی تعمق کنیم می‌بینیم که در این جنبش خواست فردی و متعلق به یک قشر خاصی از جامعه مطرح نبودش و برخلاف تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی موضوع صرفاً بر سر حجاب هم نبود و همگی شاهد لحظه به لحظه اون خیزش بودیم و تمامی شعارهایی که توسط مردم توی اون خیزش سر داده شد همه و همه نشون از انزجار مردم از این نظام و حکومت بودش. در این خیزش که زنان نقش بسیار مهم و پر رنگی در اون داشتن اولاً نشون داده شد که این خیزش مختص زنان نبودش، بلکه زنان و مردانی که تحت ظلم و ستم سرمایه‌داران و جمهوری اسلامی قرار دارند دوش به دوش هم برای هدفی واحد مبارزه می‌کنند و اون هم نابودی کلیت این نظام زالو صفت و دیکتاتور بودش. و به واقع می‌شه گفت که خیزش ۱۴۰۱ نقطه عطف دوباره‌ای بود در تاریخ مبارزات مردم ایران، زنان و مردان مبارز با ایستادگی شجاعانه خودشون که همه‌ی ما در شعارها و مقاومت‌های اونها به ویژه توجه کنید (به ویژه) مقاومت زنان شجاع در خیابون‌ها مقابل نیروهای انتظامی دیدیم نه تنها مسیر مبارزه رو تغییر دادن بلکه درس‌های زیادی برای خیزش‌های بعدی هم به جا گذاشتن. این خیزش الهام بخش نسل‌های آینده هستش در امر مبارزه برای رهائی از همه‌ی ظلم و ستم‌ها و سرکوب‌ها و البته همه‌ی ما می‌دونیم و مردم آگاه در ایران هم می‌دونند که رهائی جامعه بدون رهائی زنان امکان پذیر نیستش.

ببینید دوستان هر خیزش اجتماعی چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان نه تنها نشون دهنده ظلم سیستماتیکی هستش که بر مردم اون جامعه تحمیل شده بلکه هر کدوم از این خیزش‌ها در خودشون بذر پرسش‌ها و چالش‌های تازه‌ای رو می‌پرورونن. تجربه تاریخی خیزش‌های متعدد مردمی در ایران از قیام ۵۷ گرفته تا جنبش ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ حتی قبل از این جنبش‌ها و بالاخره خیزش اخیر ۱۴۰۱ هر کدوم از این خیزش‌ها و اعتراضات چالش‌ها و پرسش‌های جدیدی رو به وجود آوردند که به رشد آگاهی و پیشرفت جامعه کمک کردن، البته اینو هم می‌دونیم که هر کدوم از این خیزش‌ها هر بار با سرکوب و حشایانه رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی روبرو شدن اما، اما مردم ما نشون دادن که مبارزه و مقاومت در ایران زنده ست و تا رهائی نهائی این مبارزه ادامه داره.

اجازه بدین اشاره کنم به این موضوع که چطور قبل از این جنبش‌ها این تبلیغات رواج داشتش که گویا زنان برای رهائی خودشون از بار ظلم و ستم‌هایی که در جامعه مرد سالار می‌بینند، باید، خودشون به تنهایی و جدا از مردان مبارزه بکنن. اما می‌بینیم که زنان مبارز و انقلابی ما با شرکت وسیع شون خودشون در جنبش‌های توده‌ای نشون دادن و ثابت کردن که به این واقعیت آگاه هستن که رهائی زنان از ستم‌هایی که می‌بینن در گرو مبارزه برای نابودی کل نظام حاکمه. به همین خاطر هم چه در جنبش ۸۸ چه در سه خیزش مردمی دی ۹۶ آبان ۹۸ و ۱۴۰۱ زنان و مردان دوشادوش هم در مقابل دشمنی واحد قرار داشتند. این درس بزرگی برای زنان مبارز ما هستش که بدونن برای رسیدن به برابری با مردان در یک جامعه آزاد و رها از ستم‌های سرمایه‌داری باید مبارزات خودشون رو در اتحاد با مردان مبارز پیش ببرند. و خصوص در خیزش‌های اخیر ثابت شد که مبارزه زنان علیه دیکتاتوری و سرمایه‌داری بخشی جدائی ناپذیر از مبارزه طبقاتی هستش و برای رسیدن به پیروزی در این مسیر زنان انقلابی باید دست در دست مردان انقلابی انرژی خودشون رو به سوی نابودی کلیت نظام زن ستیز جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای بر پایه عدالت اجتماعی

و برابری ببرند، و می‌شه گفت تنها با این نگاه هستش که می‌شه آینده‌ای آزاد و برابر برای نه تنها برای زنان بلکه برای تمامی طبقات تحت ستم متصور شد.

جمهوری اسلامی هم که حافظ نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران هستش به خوبی می‌دونه که زنان مبارز نیروئی بالقوه و غیرقابل مهار هستند. این رژیم در طول سال‌های گذشته بارها و بارها شجاعت و قهرمانی زنان آگاه و انقلابی ما رو به چشم خودش دیده و به همین خاطر هم مثل همیشه تمام تلاششو برای سرکوب این نیروی عظیم به کار می‌گیره. اما باید گفت که تمام این تلاش‌ها محکوم به شکست هستش، چرا که خشم و کینه‌ای که مردم ایران چه زن چه مرد نسبت به این رژیم دارند ناشی از دهه‌ها ظلم و ستم و بی‌عدالتی هستش که هربار شعله می‌کشه و آتش به جان این رژیم می‌زنه. مبارزات زنان ایران در طی این ۴۶ سال نشون داده که حتی در بدترین و تاریکترین شرایط امید و مقاومت و مبارزه برای رسیدن به دنیائی عاری از هر گونه ظلم و ستمی زنده می‌مونه و ادامه داره و همه‌ی ما به آینده‌ای باور داریم که شعار برابری فقط در حد یک شعار باقی نمونه بلکه به واقعیتی زیبا تبدیل بشه، اما برای رسیدن به اون روز باید با تمام توان علیه نه تنها جمهوری اسلامی بلکه نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران مبارزه کرد. من به پایان صحبت‌هام رسیدم و به جمع‌بندی کوتاه و کلی از صحبت‌هام می‌کنم، ببینید دوستان همانطور که در آغاز صحبت‌هام هم گفتم از فردای بعد از قیام ۵۷ جمهوری اسلامی نشون دادش که اولویت اصلی‌اش سرکوب زنان هستش. زنان اولین گروه بودن که با خشونت ایدئولوژیک و سیستماتیک جمهوری اسلامی رو برو شدن و تحمیل حجاب به اونها اولین نشونه بودش. حالا ببینید تمام قوانینی که جمهوری اسلامی علیه زنان وضع کرده و اون نگاه ضد زن و پائین دستی که داره عملا خودش یه ابزار دست سرمایه‌داره‌است و این رژیم با ایدئولوژی مذهبی خودش شرایط رو جوری ساخته که زنان مخصوصا زنان کارگر هر روز بیشتر تحت فشار و استعمار باشن.

ما باید بدونیم که وقتی زنان به عنوان نیمی از جمعیت یک جامعه سرکوب میشن، این سرکوب فقط محدود به اونها نمی‌شه بلکه علیه کل جامعه است و کل جامعه داره له می‌شه، به همین خاطر مردم ایران زن و مرد پیر و جوون که از فقر و گرسنگی و نابرابری جوشون به لب رسیده خواهان نابودی کل نظام حاکم هستن، اونها به این نتیجه رسیدن که تنها راه رهائی، اتحاد و مبارزه تا سرنگونی کامل این رژیم و برپائی نظامیه که استعمار و ستم و سرکوب در اون نباشه. همه‌ی ما می‌دونیم که زنان ایران مثل زنان دیگر نقاط جهان در تلاش برای کسب آزادی و برابری از فراز و نشیب‌های بسیاری گذشتن. اما تاریخ به روشنی نشون میده که زنان هیچگاه نمی‌تونند جدا از جنبش‌های انقلابی - اجتماعی که در جهت نابودی نظام ظالمانه موجود بپاخاستن به خواست‌های اساسی خودشون برسن. زنان در طول تاریخ تنها زمانی تونستن قدم‌های بزرگ و مهمی در پیشبرد خواسته‌هاشون و حل مسائل شون بردارند که در راستای مبارزه برای نابودی سیستم ظالمانه موجود گام برداشتن. یکبار دیگه تاکید کنم که مردم ایران زن و مرد پیر و جوون دیگه به آخر خط رسیدن فقر، سرکوب، داغ‌هایی که مردم تو این سال‌ها متحمل شدن، این همه خشم و نفرتی که تو دل‌هاشون جمع شده همه و همه داره بلندتر و رساتر از همیشه به گوش می‌رسه، همه اینا نشون میده که روز سرنگونی این رژیم زن ستیز و خدمتگزار غارتگران امپریالیستی فرا رسیده، و این نظام با دست‌های توانای توده‌های متحد و مسلح در گورستان تاریخ دفن خواهد شد.

در پایان من هزاران درود می‌فرستم بر زنان مبارز و آزادیخواه ایران که برای سرنگونی رژیم ظالم و زن ستیز جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی از هیچگونه مبارزه و مقاومتی خوداری نمی‌کنن. درود به زنان و مردان آزاده‌ی ایران که نه تنها نماد شجاعت بلکه نماد مقاومت برای تمامی مردم تحت ستم هستند و دست در دست هم برای فردائی بهتر و رها از ظلم و ستم مبارزه می‌کنن. دوستان در اینجا صحبت‌های من به پایان رسید. با سپاس از شما رفیق سارا

عزیز بابت وقتی که در اختیار من گذاشتید. و با سپاس فراوان از یکایک شما رفقا و دوستان عزیز که به صحبت‌های من گوش دادین. شاد و پیروز باشید.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریک‌های فدائی خلق ایران شماره ۳۰۶، اسفند- حوت- ۱۴۰۳
یادداشت پورتال: نوشته چون به زبان گفتار آماده شده، ویراستاری نشده است.